



ایلان پاپه: «تاریخ، رسانه‌های غربی را به دلیل همدستی در جنایات اسرائیل قضاوت خواهد کرد»



روشنفکر اسرائیلی، ایلان پاپه، کتابی با عنوان تاریخ مختصر مناقشه اسرائیل و فلسطین (انتشارات کاپیتان سوینگ) منتشر کرده است؛ اثری اساسی برای یادآوری حقایق تاریخی.

پاتریشیا سیمون
ترجمه مجله جنوب جهانی



نسل‌کشی ضروری است، پایه همچنین توضیح می‌دهد که چگونه اروپا و ایالات متحده پیش از هولوکاست، از ایجاد دولت یهودی در خاورمیانه حمایت کردند، و این حمایت نه از روی همدلی، بلکه ناشی از یهودستیزی آن‌ها بود تا سرزمین‌های خود را از یهودیان «خالی» کنند. او تأکید می‌کند که تبلیغات صهیونیستی از اواخر قرن نوزدهم، فلسطینی‌ها را به‌عنوان بیگانگان در سرزمینی که از دوران عهد عتیق متعلق به یهودیان بوده، معرفی کرده است. اما مهم‌تر از همه، این تاریخ‌نگار دو دروغ کلیدی صهیونیسم را افشا می‌کند: نخست اینکه فلسطین پیش از ۱۹۴۸ فاقد هویت ملی بوده و دوم اینکه این درگیری میان یهودیان و مسلمانان است، درحالی‌که مسیحیان فلسطینی همواره نقشی محوری در جنبش ملی‌گرایی فلسطینی ایفا کرده‌اند.

ایلان پایه (متولد ۱۹۵۴ در حیفا) یکی از شناخته‌شده‌ترین تاریخ‌نگاران اسرائیلی است، به‌ویژه به دلیل افشای دروغ‌های اصلی که اسرائیل بر پایه آن‌ها روایت تاریخی خود را بنا کرده است. او که از برجسته‌ترین صداهای بین‌المللی در محکومیت نسل‌کشی غزه بوده، اکنون کتاب تاریخ مختصر مناقشه اسرائیل و فلسطین (۲۰۲۵) را منتشر کرده است. پایه در این اثر یادآوری می‌کند که پاک‌سازی قومی فلسطینی‌ها نه در سال ۱۹۴۸، بلکه در دهه ۱۹۲۰ آغاز شد؛ زمانی که قیمومیت بریتانیا بر فلسطین به گروه‌های صهیونیستی اجازه داد تا مسلح شده و نیروی شبه‌نظامی‌ای تشکیل دهند که با آن، کشاورزان فلسطینی را از زمین‌هایشان بیرون رانده، آن‌ها را به فقر کشانده و به زندگی در زاغه‌های حاشیه‌ای وادار کردند.

در این کتاب، که برای درک روند خشونت صهیونیستی و فرجام آن در



استعمار استقرارگرایانه اسرائیل و تخریب هویت بومی فلسطین

پایه، که استاد تاریخ نیز هست، میان استعمار کلاسیک-که هدف آن ایجاد اتباعی وفادار به حکومت مرکزی است- و استعمار استقرارگرایانه اسرائیل تمایز قائل می‌شود؛ نوعی استعمار که قصد دارد «جامعه بومی را به‌طور کامل با جامعه استعمارگر جایگزین کند». این پروژه یا از طریق اخراج بومیان و یا نابودی آن‌ها انجام می‌شود. او می‌نویسد:

«این روند فقط به زور متکی نیست. استعمارگران، تاریخ جوامع بومی را محو کرده و آن را به زمان ورود خود بازمی‌گردانند. آداب و رسوم قدیمی از بین می‌رود و استعمارگران حتی غذای محلی را تصاحب می‌کنند. به بیان ساده، این سرزمین خالی از سکنه نیست؛ به همین دلیل، آن‌ها آن را خالی می‌کنند.»

در همین راستا، او یادآوری می‌کند که مهم‌ترین گروه لابی حامی اسرائیل،

بنیادگرایان مسیحی ایالات متحده هستند که از «الحاق و یهودی‌سازی کرانه باختری توسط اسرائیل» حمایت می‌کنند.

تبعید پایه و تهدیدات علیه او

در سال ۲۰۰۷، پایه به دلیل تهدیداتی که در اسرائیل دریافت می‌کرد، به همراه خانواده‌اش به بریتانیا تبعید شد. او از آن زمان، استاد دانشگاه اکستر بوده است. این مصاحبه ساعاتی پس از آن انجام شد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، ویدیویی ساختگی با استفاده از هوش مصنوعی درباره برنامه‌هایش برای نوار غزه منتشر کرد- ویدیویی که پایه آن را «هذیانی و جنایتکارانه» توصیف می‌کند.

برنامه ترامپ برای غزه: تخلیه و تبدیل به یک تفرجگاه لوکس؟

- آیا فکر می‌کنید طرح ترامپ برای اخراج دو میلیون فلسطینی از غزه و



تبدیل این منطقه به یک تفرجگاه مجلل، عملی است؟

به نظر این طرح امکان‌پذیر نیست؛ نه مصر و نه اردن آن را نخواهند پذیرفت و البته فلسطینی‌ها نیز قبول نخواهند کرد. اما اعلام چنین ایده‌ای بسیار خطرناک است و رنج بسیاری به بار خواهد آورد، زیرا پیام قدرتمندی برای نیروهای سیاسی اسرائیل دارد—آن‌هایی که این طرح را یک راه‌حل ایده‌آل می‌دانند. این به آن‌ها القا می‌کند که حمایت بین‌المللی دارند تا رؤیایی را که پیش‌تر در اجراش تردید داشتند، عملی کنند. همین نیروهای سیاسی بودند که ترامپ را به حمایت از پاک‌سازی قومی فلسطینیان نه‌تنها در غزه، بلکه در کرانه باختری نیز ترغیب کردند. در روزهای اخیر، اسرائیل ۴۰,۰۰۰ فلسطینی را از اردوگاه‌های پناهجویان در کرانه باختری اخراج کرده است—و این فقط به لطف حمایت ترامپ ممکن شده است.

همدستی رسانه‌های غربی در جنایات اسرائیل

طی ۱۵ ماهی که اسرائیل نسل‌کشی در غزه را اجرا کرده، اکثریت رسانه‌های اسرائیلی حتی یک تصویر از قربانیان فلسطینی منتشر نکرده‌اند. آن‌هایی که این کار را انجام داده‌اند، مانند هآرتص و +۹۷۲، تحت تعقیب دولت نتانیاوو قرار گرفته‌اند.

- اما فراتر از رسانه‌های اسرائیلی، رسانه‌های غربی چقدر در مصونیت اسرائیل و جنایاتش علیه بشریت مسئول هستند؟

رسانه‌های غربی نقش اساسی دارند، زیرا حقیقت آنچه در حال وقوع است را به‌درستی و حرفه‌ای پوشش نمی‌دهند. ما نام تمام گروگان‌های اسرائیلی را می‌دانیم، اما بسیاری از این رسانه‌ها حتی نام یک نوزاد فلسطینی را که کشته شده، ثبت نکرده‌اند. این رویه به غیرانسانی جلوه دادن فلسطینی‌ها، شیطانی نشان دادن آن‌ها و در نهایت،



به مصونیت اسرائیل در ادامه سیاست‌های نسل‌کشی، پاک‌سازی قومی و سرکوب کمک می‌کند.

تاریخ، رسانه‌های غربی را به دلیل همدستی در جنایات اسرائیل، به دلیل عدم محکومیت آن‌ها و به خاطر آنکه سخنگوی روایت ستمگر شده‌اند-با استفاده از زبان، ادعاها و استدلال‌های او-قضاوت خواهد کرد.

این عملکرد رسانه‌های غربی موجب شده است که کشورهای جنوب جهانی به‌کلی اعتماد خود را به آن‌ها از دست بدهند. برای نمونه، شبکه بی‌بی‌سی که در ۴۱ زبان برنامه پخش می‌کند و انتظار دارد به‌عنوان یک منبع خبری معتبر شناخته شود، پوششی رسواکننده از نسل‌کشی غزه ارائه داده است. به همین دلیل، اکنون در جهان عرب و کشورهای مسلمان، با شک و تردید به آن نگاه می‌شود.

رسانه‌های غربی، تاوان پوشش فاجعه‌بار خود از نسل‌کشی غزه را خواهند پرداخت.

«فرانچسکا آلبانزه به‌عنوان کسی که در سوی درست تاریخ ایستاد، به یاد آورده خواهد شد»

- شما به دلیل فعالیت‌های خود با تهدیدات جانی و انواع آزارها مواجه بوده‌اید. این حملات علیه فرانچسکا آلبانزه، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور سرزمین‌های اشغالی، از جمله اتهامات یهودستیزی علیه او، را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

فرانچسکا یکی از دوستان نزدیک من است و هیچ‌وجه یهودستیز نیست. تمام این اتهامات صرفاً به این دلیل مطرح می‌شود که او حقیقت را درباره آنچه در فلسطین می‌گذرد، بیان می‌کند-حقیقتی که بسیار تلخ است. اما این حملات باعث نخواهد شد که او کارش را متوقف کند. این بسیار ناراحت‌کننده است که وقتی نمی‌توانند



«مصونیت اسرائیل و عادی‌سازی
جنایاتش، به کل جهان آسیب می‌زند»

- مصونیت اسرائیل و عادی‌سازی
جنایات آن، از جمله نسل‌کشی،
اشغالگری، رژیم آپارتاید و پاک‌سازی
قومی، چه پیامدهایی برای جهان دارد؟

فکر می‌کنم این وضعیت، به‌ویژه برای
مردم جنوب جهانی، نمونه‌ای از ریاکاری
و معیارهای دوگانه غرب است: اگر
جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت را
متحدان غرب مرتکب شوند، مورد
انتقاد قرار نمی‌گیرند. رویکرد غرب
نسبت به غزه تأثیری عظیم بر اعتبار
نظام قضایی بین‌المللی، سازمان‌های
بین‌المللی و توانایی جامعه جهانی برای
مواجهه مشترک با چالش‌های بزرگ
جهانی مانند گرمایش زمین، فقر و
گرسنگی خواهد داشت. این مسائل
بدون همکاری و عدالت بین‌المللی حل
نخواهند شد.

پس از آنچه در نسل‌کشی غزه رخ داده،
مردم دیگر به این سیستم عدالت

گزارش‌ها و تحلیل‌های او را با مدارک و
شواهد رد کنند، به حمله شخصی روی
می‌آورند. این اتفاقی است که بسیاری
از دانشگاہیان، ناظران و فعالان
شجاعی که از واقعیت فلسطین آگاهند
و احساس وظیفه می‌کنند که آن را به
گوش جهان برسانند، تجربه می‌کنند.
کسانی که حرفه‌ای و موفق هستند،
بیش از همه با اتهام یهودستیزی
مواجه می‌شوند، زیرا این تنها ابزاری
است که برای تضعیف پیام مهمی که
منتقل می‌کنند، در اختیار دارند.

من انتظار داشتم که سازمان ملل از
فرانچسکا آلبانزه بیشتر حمایت و دفاع
کند، اما او همچنان تسلیم نخواهد
شد. کار او بسیار مهم است و
گزارش‌هایش در سال‌های آینده
اهمیت بیشتری خواهند یافت؛
تاریخ‌نگاران از آن‌ها برای درک آنچه رخ
داده، استفاده خواهند کرد. فرانچسکا
آلبانزه به‌عنوان کسی که در سوی
درست تاریخ ایستاد، به یاد آورده
خواهد شد.



بین‌المللی باور ندارند، زیرا نه‌تنها برای حمایت از فلسطینی‌ها به کار گرفته نشده، بلکه به‌عنوان سپری برای محافظت از کسانی که به آن‌ها حمله می‌کنند، استفاده شده است. این وضعیت برای آینده همکاری جهانی بسیار نگران‌کننده است.

«نخبگان سیاسی امروز نه‌تنها خواهان پاک‌سازی فلسطینیان از کرانه باختری و غزه هستند، بلکه دو میلیون فلسطینی ساکن اسرائیل را نیز هدف گرفته‌اند»

- شما اشاره کرده‌اید که نئونازی‌ها، نئوفاشیست‌ها و جناح راست افراطی، متحدان اصلی اسرائیل هستند، زیرا اگرچه یهودستیزند، اما اکنون بیش از هر چیز اسلام‌هراس و ضدعرب هستند. با توجه به اینکه این جریان‌ها در ایالات متحده در قدرت‌اند و در پارلمان‌های اروپایی نفوذ بی‌سابقه‌ای یافته‌اند، امید برای مردم فلسطین را کجا می‌توان یافت؟

همه ما باید در جهت استعمارزدایی از فلسطین تاریخی تلاش کنیم. باید ساختاری سیاسی ایجاد کنیم که بر اساس برابری، دموکراسی و حقوق انسانی و مدنی بنا شده باشد- که در حال حاضر چنین نیست. بهترین ساختار سیاسی برای تضمین این ارزش‌ها، یک دولت دموکراتیک واحد است.

نخبگان سیاسی جهانی و بسیاری از سیاستمداران فلسطینی همچنان به راه‌حل دو دولت دل‌بسته‌اند. من مطمئن نیستم که این همان چیزی است که اکثریت فلسطینیان می‌خواهند، زیرا اکنون ما یک سازمان رهایی‌بخش دموکراتیک نداریم که بتواند نظر فلسطینیان را نمایندگی کند. اما اطمینان دارم که روزی چنین سازمانی خواهیم داشت.

هیچ راهی برای پیشرفت وجود ندارد، مگر اینکه اصل برابری رعایت شود، که این شامل حق بازگشت آوارگان نیز می‌شود. تنها ساختار سیاسی‌ای که



دارند-را نیز در بر بگیرد. این بخش از جامعه فلسطینی چه نقشی می‌تواند در سال‌های آینده ایفا کند؟

این گروه معمولاً فراموش‌شده‌ترین بخش جامعه فلسطینی است. اگرچه آن‌ها مانند فلسطینیان غزه، قربانی نسل‌کشی نیستند و مانند فلسطینیان کرانه باختری، مستقیماً هدف پاک‌سازی قومی قرار ندارند، اما تحت رژیم بسیار سرکوبگر زندگی می‌کنند. آن‌ها آزادی بیان ندارند، دولت اسرائیل اجازه می‌دهد که باندهای جنایتکار در داخل شهرها و محله‌های آن‌ها ایجاد وحشت کنند. هر بار که آن‌ها همدردی خود را با فلسطینیان نشان می‌دهند-که گاهی اعضای خانواده خودشان هستند-ریسک اخراج از کار یا حتی زندانی شدن را به جان می‌خرند.

وضعیت آن‌ها احتمالاً بدتر خواهد شد، زیرا نخبگان سیاسی کنونی نه تنها به دنبال رهایی از فلسطینیان کرانه باختری و غزه هستند، بلکه دو میلیون

می‌تواند چنین برابری‌ای را تضمین کند، یک دولت دموکراتیک فراگیر از رود اردن تا دریای مدیترانه خواهد بود. این همان چیزی است که باید برای آن تلاش کنیم، زیرا حتی سرکوبگران نیز آینده‌ای جز جنگ و خشونت پیش روی خود نمی‌بینند.

یک دولت دموکراتیک که به آپارتاید و ستم پایان دهد، می‌تواند زندگی را برای فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها عادی کند.

«پاک‌سازی قومی فلسطینیان در کرانه باختری به فلسطینیان ساکن اسرائیل نیز خواهد رسید»

- شما هشدار داده‌اید که پاک‌سازی قومی‌ای که اسرائیل هم‌اکنون در کرانه باختری انجام می‌دهد، احتمالاً با تلاش برای الحاق ۶۰ درصد از این منطقه (منطقه C) ادامه خواهد یافت. همچنین، هشدار داده‌اید که ممکن است این پاک‌سازی قومی، فلسطینیان اسرائیلی-یعنی فلسطینیانی که شهروندی اسرائیل را



فلسطین (ساف) ایفا کند تا نهادی نماینده‌تر ایجاد شود، نهادی که بتواند واقعاً مسیر آینده‌ای کمتر خشونت‌آمیز، باثبات‌تر و امیدوارکننده‌تر را هموار کند، آینده‌ای که قطعاً بهتر از شرایط کنونی خواهد بود.

«اروپای غربی باید برای نجات فلسطینی‌ها وارد عمل شود، زیرا خود این مشکل را ایجاد کرده و همچنان به آن تداوم می‌بخشد»

- نتانیاهو تلاش می‌کند ترامپ را درگیر جنگی علیه ایران کند؛ ارتش صهیونیستی همچنان سوریه را بمباران می‌کند و آتش‌بس لبنان را نقض می‌کند... آیا نخست‌وزیر اسرائیل تا زمانی که کل خاورمیانه را به آتش نکشد، متوقف نخواهد شد؟

هدف او به آتش کشیدن منطقه نیست، بلکه حفظ قدرت است. اما اگر برای باقی‌ماندن در قدرت لازم باشد منطقه را به آتش بکشد، این کار را خواهد کرد. او هیچ حد و مرزی برای

فلسطینی ساکن اسرائیل را نیز هدف گرفته‌اند.

آن‌ها معتقدند که فرصتی تاریخی برای ایجاد یک دولت یهودی با کمترین تعداد ممکن از فلسطینیان در اختیار دارند. به همین دلیل، این یک جامعه در معرض خطر است.

از سوی دیگر، این گروه می‌تواند نقشی بسیار مثبت ایفا کند. اگر در نهایت در مسیر درست، یعنی به سمت آشتی و مصالحه، حرکت کنیم، این فلسطینیان تنها کسانی خواهند بود که اسرائیلی‌ها را نه فقط در قالب سرباز یا شهرک‌نشین، بلکه به‌عنوان افراد عادی می‌شناسند. آن‌ها ۷۵ سال با اسرائیلی‌ها زندگی کرده‌اند، کسب‌وکارهای مشترک دارند و به زبان عبری مسلط‌اند. بنابراین، می‌توانند پلی بسیار مهم برای بازسازی روابط بین این دو جامعه در آینده باشند.

دوست دارم که این گروه نقش مهمی در بازتعریف سازمان آزادی‌بخش



بسیاری از یهودیانی که باور داشتند اسرائیل باید حداقل یک جامعه لیبرال و دموکراتیک باشد، در حال ترک این کشور هستند و امیدی به بازگشت ندارند.

هرچه سیاست‌های اسرائیل راست‌گراتر و نئو صهیونیستی‌تر شود، این کشور منزوی‌تر خواهد شد و مشکلات اقتصادی آن افزایش خواهد یافت. هیچ کشوری نمی‌تواند به‌تنهایی دوام بیاورد؛ همه کشورها به جهان وابسته‌اند. حتی ارتش اسرائیل نیز به آن اندازه که تصور می‌شد، قدرتمند نیست. این ارتش عمدتاً علیه گروه‌های چریکی می‌جنگد-گروه‌هایی که نه هواپیما دارند و نه تانک- و هنوز نتوانسته آن‌ها را کاملاً شکست دهد.

ارتش صهیونیستی هزاران سرباز را برای سرکوب تعداد اندکی از جوانان فلسطینی در کرانه باختری به کار می‌گیرد. این نشان‌دهنده ضعف آن است. در همین حال، جامعه بین‌المللی در حال منزوی کردن اسرائیل

میزان پیشروی خود قائل نیست، به شرطی که این امر به حفظ قدرتش کمک کند. اگر باور داشته باشد که جنگ علیه ایران می‌تواند او را از پرونده‌های فسادش نجات دهد، این جنگ را آغاز خواهد کرد، زیرا معتقد است که این کار، او را در افکار عمومی به‌عنوان یک فرمانده و رهبر بزرگ احیا خواهد کرد.

به همین دلیل، نگرانی من این است که جاه‌طلبی شخصی او برای حفظ قدرت، جان انسان‌های زیادی را بگیرد.

«ما در آغاز پایان صهیونیسم هستیم»

- شما معتقدید که ما در آستانه آغاز پایان صهیونیسم هستیم. چرا؟

زیرا در حال مشاهده فرایندهایی هستیم که موجب فروپاشی جامعه یهودی اسرائیل می‌شوند. نخست، یک شکاف عمیق بین یهودیان سکولار و یهودیان مذهبی وجود دارد. این دو گروه تقریباً هیچ نقطه اشتراکی ندارند.



اما آنچه مسلم است این است که ما در آغاز پایان صهیونیسم هستیم. تنها چیزی که نمی‌دانیم، زمان و چگونگی وقوع آن است.

«وظیفه جامعه بین‌المللی، حمایت از فلسطینیان است، نه میانجی‌گری بین طرفین»

- مؤثرترین راهبردها برای دفاع از حقوق انسانی مردم فلسطین از سوی جامعه مدنی چیست؟

مهم‌ترین مسأله این است که ایده میانجی‌گری جامعه بین‌المللی میان دو طرف را کنار بگذاریم. نقش جامعه بین‌المللی میانجی‌گری بین اسرائیل و فلسطین نیست، بلکه دفاع از فلسطینیان است، زیرا در حال حاضر حکومتی در اسرائیل وجود دارد که قصد نابودی کامل آن‌ها را دارد.

به‌ویژه اروپای غربی باید برای نجات فلسطینیان اقدام کند و از آن‌ها حمایت نماید، زیرا همین اروپا این

است، که این امر می‌تواند در آینده بر حکومت‌های این کشور نیز تأثیر بگذارد.

بنابراین، ما در حال مشاهده فرایندی طولانی هستیم، اما چیزی که واضح است این است که اسرائیل، به‌عنوان یک دولت، بر پایه جنگ دائمی بنا شده و بدون آن قادر به بقا نیست. بسیاری از مردم اسرائیل این وضعیت را بسیار خطرناک می‌دانند و نمی‌خواهند بخشی از آن باشند، زیرا هیچ گزینه‌ای برای صلح به آن‌ها ارائه نمی‌شود، بلکه فقط این وعده داده می‌شود که «همیشه جنگ را خواهیم برد».

اما «بردن جنگ» واقعاً چه معنایی دارد؟ ما شاهد ضعف نظامی، بحران اقتصادی شدید، انزوای بین‌المللی، شکاف‌های عمیق در جامعه یهودی، و مقاومت مستمر فلسطینیان هستیم. تمام این فرایندهای ویرانگر در اسرائیل، سرانجام به یک خلأ سیاسی منجر خواهند شد. شاید این خلأ را نسل‌های جوان پر کنند—چه کسی می‌داند؟



بحران را ایجاد کرده و همچنان به تداوم آن کمک می‌کند. البته، پیوستن دولت‌های دیگر جهان نیز مفید خواهد بود، زیرا جهان برای پیشروی و مقابله با چالش‌های آینده، به پایان خشونت در فلسطین نیاز دارد.